

سفر پولس به اورشلیم

¹و چون از ایشان هجرت نمودیم، سفر دریا کردیم و به راه راست به کوس آمدیم و روز دیگر به رودس و از آنجا به پاترا.² و چون کشتیای یافتیم که عازم فینیقیّه بود، بر آن سوار شده، کوچ کردیم.³ و قیّرس را به نظر آورده، آن را به طرف چپ رها کرده، به سوی سوریه رفتیم و در صُور فرود آمدیم زیرا که در آنجا می‌بایست بار کشتی را فرود آورند.⁴ پس شاگردی چند پیدا کرده، هفت روز در آنجا ماندیم و ایشان به الهام روح به پولس گفتند که به اورشلیم نرو.⁵ و چون آن روزها را بسر بردیم، روانه گشتیم و همه با زنان و اطفال تا بیرون شهر ما را مشایعت نمودند و به کناره دریا زانو زده، دعا کردیم.⁶ پس یکدیگر را وداع کرده، به کشتی سوار شدیم و ایشان به خانه‌های خود برگشتند.

⁷و ما سفر دریا را به انجام رسانیده، از صُور به پتولامیس رسیدیم و برادران را سلام کرده، با ایشان یک روز ماندیم.⁸ در فردای آن روز، از آنجا روانه شده، به قیصریّه آمدیم و به خانه فیلیپس مبشّر که یکی از آن هفت بود درآمده، نزد او ماندیم.⁹ و او را چهار دختر باکره بود که نبوّت می‌کردند.¹⁰ و چون روز چند در آنجا ماندیم، نیای آغابوس نام از یهودیه رسید،¹¹ و نزد ما آمده، کمر بند پولس را گرفته و دستها و پاهای خود را بسته، گفت: روح‌القدس می‌گوید که یهودیان در اورشلیم صاحب این کمر بند را به همین‌طور بسته، او را به دستهای امّت‌ها خواهند سپرد.¹² پس چون این را شنیدیم، ما و اهل آنجا التماس نمودیم که به اورشلیم نرو.¹³ پولس جواب داد: چه می‌کنید؟ که گریان شده دل مرا می‌شکنید؟ زیرا من مستعدّم که نه فقط قید شوم بلکه تا در اورشلیم بمیرم به‌خاطر نام خداوند عیسی.¹⁴ چون او نشنید خاموش شده، گفتیم: آنچه اراده خداوند است بشود.

¹⁵و بعد از آن ایّام تدارک سفر دیده، متوجّه اورشلیم شدیم.¹⁶ و تنی چند از شاگردان قیصریّه همراه آمده، ما را نزد شخصی مناسّون نام که از اهل قیّرس و شاگرد قدیمی بود، آوردند تا نزد او منزل نماییم.

پولس در اورشلیم

¹⁷و چون وارد اورشلیم گشتیم، برادران ما را به

¹And it came to pass, that after we were gotten from them, and had launched, we came with a straight course unto Coos, and the day following unto Rhodes, and from thence unto Patara:²And finding a ship sailing over unto Phenicia, we went aboard, and set forth.³Now when we had discovered Cyprus, we left it on the left hand, and sailed into Syria, and landed at Tyre: for there the ship was to unlade her burden.⁴And finding disciples, we tarried there seven days: who said to Paul through the Spirit, that he should not go up to Jerusalem.⁵And when we had accomplished those days, we departed and went our way; and they all brought us on our way, with wives and children, till we were out of the city: and we kneeled down on the shore, and prayed.⁶And when we had taken our leave one of another, we took ship; and they returned home again.⁷And when we had finished our course from Tyre, we came to Ptolemais, and saluted the brethren, and abode with them one day.⁸And the next day we that were of Paul's company departed, and came unto Caesarea: and we entered into the house of Philip the evangelist, which was one of the seven; and abode with him.⁹And the same man had four daughters, virgins, which did prophesy.¹⁰And as we tarried there many days, there came down from Judaea a certain prophet, named Agabus.¹¹And when he was come unto us, he took Paul's girdle, and bound his own hands and feet, and said, Thus saith the Holy Ghost, So shall the Jews at Jerusalem bind the man that owneth this girdle, and shall deliver

خشنودی پذیرفتند.¹⁸ و در روز دیگر، پولس ما را برداشته، نزد یعقوب رفت و همه کشیشان حاضر شدند.¹⁹ پس ایشان را سلام کرده، آنچه خدا به وسیله خدمت او در میان امتها به عمل آورده بود، مفصلاً گفت.²⁰ ایشان چون این را شنیدند، خدا را تمجید نموده، به وی گفتند: ای برادر، آگاه هستی که چند هزارها از یهودیان ایمان آورده‌اند و جمیعاً در شریعت غیورند.²¹ و درباره تو شنیده‌اند که همه یهودیان را که در میان امتها می‌باشند، تعلیم می‌دهی که از موسی انحراف نمایند و می‌گویند نباید اولاد خود را مختون ساخت و به سنن رفتار نمود.²² پس چه باید کرد؟ البته جماعت جمع خواهند شد زیرا خواهند شنید که تو آمده‌ای.²³ پس آنچه به تو گوئیم به عمل آور: چهار مرد نزد ما هستند که بر ایشان نذری هست،²⁴ پس ایشان را برداشته، خود را با ایشان تطهیر نما و خرج ایشان را بده که سر خود را بتراشند تا همه بدانند که آنچه درباره تو شنیده‌اند اصلی ندارد بلکه خود نیز در محافظت شریعت سلوک می‌نمای.²⁵ لیکن درباره آنانی که از امتها ایمان آورده‌اند، ما فرستادیم حکم کردیم که از قربانی‌های بت و خون و حیوانات خفه شده و زنا پرهیز نمایند.²⁶ پس پولس آن اشخاص را برداشته، روزیگر با ایشان طهارت کرده، به معبد درآمد و از تکمیل ایام طهارت اطلاع داد تا هدیه‌ای برای هر یک از ایشان بگذارند.

بارداشت پولس در معبد

²⁷ و چون هفت روز نزدیک به انجام رسید، یهودیای چند از آسیا او را در معبد دیده، تمامی قوم را به شورش آوردند و دست بر او انداخته،²⁸ فریاد برآوردند که: ای مردان اسرائیلی، امداد کنید! این است آن کس که برخلاف امت و شریعت و این مکان در هر جا همه را تعلیم می‌دهد. بلکه یونانیای چند را نیز به هیکل درآورده، این مکان مقدس را ملوث نموده است.²⁹ زیرا قبل از آن تروفیمس آفسوسی را با وی در شهر دیده بودند و مطمئن داشتند که پولس او را به معبد آورده بود.³⁰ پس تمامی شهر به حرکت آمد و خلق ازدحام کرده، پولس را گرفتند و از معبد بیرون کشیدند و فی‌الفور درها را بستند.³¹ و چون قصد قتل او می‌کردند، خبر به مینباشی سپاه رسید که تمامی اورشلیم به شورش آمده است.³² او بی‌درنگ سپاه و

him into the hands of the Gentiles.¹² And when we heard these things, both we, and they of that place, besought him not to go up to Jerusalem.¹³ Then Paul answered, What mean ye to weep and to break mine heart? for I am ready not to be bound only, but also to die at Jerusalem for the name of the Lord Jesus.¹⁴ And when he would not be persuaded, we ceased, saying, The will of the Lord be done.¹⁵ And after those days we took up our carriages, and went up to Jerusalem.¹⁶ There went with us also certain of the disciples of Caesarea, and brought with them one Mnason of Cyprus, an old disciple, with whom we should lodge.¹⁷ And when we were come to Jerusalem, the brethren received us gladly.¹⁸ And the day following Paul went in with us unto James; and all the elders were present.¹⁹ And when he had saluted them, he declared particularly what things God had wrought among the Gentiles by his ministry.²⁰ And when they heard it, they glorified the Lord, and said unto him, Thou seest, brother, how many thousands of Jews there are which believe; and they are all zealous of the law:²¹ And they are informed of thee, that thou teachest all the Jews which are among the Gentiles to forsake Moses, saying that they ought not to circumcise their children, neither to walk after the customs.²² What is it therefore? the multitude must needs come together: for they will hear that thou art come.²³ Do therefore this that we say to thee: We have four men which have a vow on them;²⁴ Them take, and purify thyself with them, and be at charges with them, that they may shave their heads: and all

یوزباشیها را برداشته، بر سر ایشان تاخت. پس ایشان به مجرّد دیدن مینباشی و سپاهیان، از زدن پولس دست برداشتند.

³³ چون مینباشی رسید، او را گرفته، فرمان داد تا او را بدو زنجیر ببندد و پرسید که این کیست و چه کرده است؟³⁴ اما بعضی از آن گروه به سخنی و بعضی به سخنی دیگر صدا می‌کردند. و چون او به سبب شورش، حقیقت امر را نتوانست فهمید، فرمود تا او را به قلعه بیاورند.³⁵ و چون به زینه رسید، اتفاق افتاد که لشکریان به سبب ازدحام مردم او را برگرفتند،³⁶ زیرا گروهی کثیر از خلق از عقب او افتاده، صدا میزدند که: او را هلاک کن!

³⁷ چون نزدیک شد که پولس را به قلعه درآورند، او به مینباشی گفت: آیا اجازت است که به تو چیزی گویم؟ گفت: آیا زبان یونانی را می‌دانی؟³⁸ مگر تو آن مصری نیستی که چندی پیش از این فتنه برانگیخته، چهار هزار مرد قتال را به بیابان برد؟³⁹ پولس گفت: من مرد یهودی هستم از طرسوس قلیقیه، شهری که بینام و نشان نیست و خواهش آن دارم که مرا إذن فرمایی تا به مردم سخن گویم.⁴⁰ چون إذن یافت، بر زینه ایستاده، به دست خود به مردم اشاره کرد؛ و چون آرامی کامل پیدا شد، ایشان را به زبان عبرانی مخاطب ساخته، گفت:

may know that those things, whereof they were informed concerning thee, are nothing; but that thou thyself also walkest orderly, and keepest the law.²⁵ As touching the Gentiles which believe, we have written and concluded that they observe no such thing, save only that they keep themselves from things offered to idols, and from blood, and from strangled, and from fornication.²⁶ Then Paul took the men, and the next day purifying himself with them entered into the temple, to signify the accomplishment of the days of purification, until that an offering should be offered for every one of them.²⁷ And when the seven days were almost ended, the Jews which were of Asia, when they saw him in the temple, stirred up all the people, and laid hands on him,²⁸ Crying out, Men of Israel, help: This is the man, that teacheth all men every where against the people, and the law, and this place: and further brought Greeks also into the temple, and hath polluted this holy place.²⁹ (For they had seen before with him in the city Trophimus an Ephesian, whom they supposed that Paul had brought into the temple.)³⁰ And all the city was moved, and the people ran together: and they took Paul, and drew him out of the temple: and forthwith the doors were shut.³¹ And as they went about to kill him, tidings came unto the chief captain of the band, that all Jerusalem was in an uproar.³² Who immediately took soldiers and centurions, and ran down unto them: and when they saw the chief captain and the soldiers, they left beating of Paul.³³ Then the chief captain came near, and took him, and

commanded him to be bound with two chains; and demanded who he was, and what he had done.³⁴ And some cried one thing, some another, among the multitude: and when he could not know the certainty for the tumult, he commanded him to be carried into the castle.³⁵ And when he came upon the stairs, so it was, that he was borne of the soldiers for the violence of the people.³⁶ For the multitude of the people followed after, crying, Away with him.³⁷ And as Paul was to be led into the castle, he said unto the chief captain, May I speak unto thee? Who said, Canst thou speak Greek?³⁸ Art not thou that Egyptian, which before these days madest an uproar, and leddest out into the wilderness four thousand men that were murderers?³⁹ But Paul said, I am a man which am a Jew of Tarsus, a city in Cilicia, a citizen of no mean city: and, I beseech thee, suffer me to speak unto the people.⁴⁰ And when he had given him licence, Paul stood on the stairs, and beckoned with the hand unto the people. And when there was made a great silence, he spake unto them in the Hebrew tongue, saying,